

ترور از دیدگاه امام خمینی (ره) با تکیه بر قرآن و روایات

قاسم ولی زاده بریمانلو^۱
 تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۰
 دکتر سیدحمید حسینی^۲
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۰
 دکتر علی حسین احتشامی^۳

چکیده

ترور از جمله مفاهیم با اهمیت در دنیای امروز است. آنچه اهمیت ترور را بیش از پیش برجسته ساخته است، این است که قدرتهای بزرگ از این امر، برای دستیابی به منافع ملی و همچنین سرکوب کردن مبارزات حق طلبانه و بد نام نمودن اسلام استفاده می‌کند. امروزه این ابرقدرتها که برای دستیابی به اهدافشان دست به هر جنایتی می‌زنند دین مقدس اسلام و مسلمانان را متهم به ترور می‌کنند و با تحریف حقایق، اسلام را دین ترور و خشونت معرفی می‌کنند. با توجه به این امر، شناخت جایگاه ترور از دیدگاه امام خمینی با توجه به آیات و روایات امری ضروری می‌باشد. دیدگاههای امام خمینی در خصوص ترور با تکیه بر قرآن و روایات شکل گرفته است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که در اندیشه ی امام خمینی، ترور (در معنای امروزی) با توجه به آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، امری باطل است. ایشان در راهبردهای خود هر گونه خشونت مبتنی بر ترور را رد می‌کند. هر کجا امام خمینی در خصوص ترور سخن به میان آورده اند با دید کاملاً منفی و با بیزاری و انزجار موضع خود را در قبال این امر بیان فرموده اند. ایشان با تکیه آیات و روایات، به صراحت، ترور را رفتاری غیر اسلامی و غیر انسانی معرفی می‌کنند. این پژوهش با روش تفسیری و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، ضمن تبیین مفهوم ترور، جایگاه این مهم را در آیات قرآن کریم و همچنین روایات نشان می‌دهد و سپس در بخش‌هایی، با توجه به آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، دیدگاه امام خمینی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترور در اصل، معنای ترس، رعب و وحشت می‌دهد، با وجود تفاسیر و تعاریف مختلف، مصادیق مشترک آن را می‌توان، سلب امنیت، فساد و اعمال غیر قابل پیش‌بینانه از سوی افراد، حکومت‌ها و گروه‌های فرادولتی و بین‌المللی دانست و همه این موارد در اسلام محکوم می‌باشد.

کلید واژه‌ها: امام خمینی، آیات و روایات، ترور،

^۱ دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

^۲ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

^۳ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تویسرکان، همدان، ایران

ترور و تروریسم از مهم ترین مباحث محافل سیاسی و حقوقی دنیا و مجامع بین‌المللی در دنیای امروز است. با شنیدن این واژه، ذهن به سوی خشونت، قتل و جنایت حرکت می‌کند. از سوی دیگر، غرب به ویژه آمریکا از طریق شبکه های تبلیغاتی و کمپانی‌های رسانه ای به گونه‌ای عمل نموده که مسلمانان را متهمان ردیف اول ترور معرفی کرده اند. این مساله هر ناظری را به تأمل وامی‌دارد. در عرصه داخلی نیز مهم ترین ابزار خارج ساختن نیروهای مؤمن و انقلابی از صحنه سیاست و اجتماع، متهم ساختن آن‌ها به استفاده از روش‌های خشونت آمیز و ایجاد رعب و وحشت در مخالفان است. ترور پدیده‌ای تازه نیست، بلکه این روش از خشونت را طی قرون متمادی، ضعیفان برای ترساندن حکومتها و قدرتمندان حاکم یا دو قدرتمند در مقابل یکدیگر، یا قدرتمندی برای ترساندن ضعیفان به‌کار برده‌اند، و تاریخ، آکنده از اقدامهای تروریستی است. اما ترور در معنای مصطلح به صورت یک تعریف علمی مدت کوتاهی است که در محافل آکادمیک و علمی راه یافته است. این محافل تاکنون به تعریفی اجماعی که همگان آن را بپذیرند، نرسیده‌اند، اما اجماع بین‌المللی، اعم از دولتهای اسلامی و غیراسلامی، در مورد محکومیت عمل ترور وجود دارد. قرآن کریم و روایات هرگونه زور، ایجاد رعب، وحشت، آدم‌ربایی، تهدید و کشتن بی‌هدف انسانها را محکوم می‌نماید و اسلام با این اقدامات مخالف است و حتی با آنها مبارزه می‌کند. با توجه به این امر، دیدگاه امام خمینی با تکیه بر آیات و روایات، بر صلح و زندگی مسالمت آمیز استوار است و توسل به زور و خشونت به هیچ وجه جایز نیست؛ مگر در دو صورت دفاع و مجازات مجرم و در غیر از این دو صورت، توسل به زور به هر بهانه ای که باشد از نگاه ایشان محکوم است. در این مقاله، ضمن تبیین مساله ترور از دیدگاه قرآن و روایات، به تبیین دیدگاه امام خمینی در این زمینه پرداخته می‌شود.

بیان مسئله

موضوع "ترور" همواره در حوزه علم سیاست و به ویژه در مناسبات و روابط بین الملل به عنوان موضوعی مهم و در خور توجه مطرح بوده است؛ تا اینکه بعد از حادثه تروریستی یازده سپتامبر توجه به پدیده تروریسم در اولویت قرار گرفت و این موضوع به اصلی ترین بحث کنفرانس‌های سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان تبدیل شد.

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، رسانه های تبلیغاتی غربی که بیشتر تحت تأثیر بنگاه‌ها و محافل یهودی و صهیونیستی قرار دارند، برای اهداف سیاسی تلاش‌های خود را برای اثبات ماهیت تروریستی دین اسلام و دست داشتن مسلمان‌ها و از جمله اعراب در این حملات انتحاری مصروف داشته اند.

از سوی دیگر، جامعه بین‌المللی در تعریف مفهوم "تروریسم" با مشکل مواجه می‌باشد و حتی مذاکرات متعدد سازمان ملل برای ارائه تعریف مشترک کشورها از آن به جایی نرسیده و همین امر زمینه را برای تفسیر به رأی و سوء استفاده کشورهای قدرت طلب و استکباری از این واژه فراهم ساخته است تا بر اساس تعریف خود از "تروریسم" اهداف استکباری خود را دنبال کنند و به جنگ با دشمنان خود به اسم "تروریسم" مبادرت ورزند.

ترور، یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات کنونی است و صدها سمینار و کنفرانس، برای بررسی علل و ریشه‌های آن و روش‌های جلوگیری از آن، در دنیا تشکیل شده و ده‌ها کتاب برای پژوهش درباره آن، از دیدگاه‌های گوناگون و در زمینه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، سیاسی، حقوقی، مذهبی و اخلاقی منتشر گردیده است. چنین معضلی همواره به صورت‌های مختلف در جوامع بشری وجود داشته است. در این میان، یکی از مسائل مهمی که جهان اسلام در طی سالهای اخیر با آن مواجه بوده است این است که در طی سالهای اخیر، هر گونه خشونت سیاسی و تلاش برای ناامن ساختن دولتها طرف رسانه‌ها و سیاستمداران غربی، به اسلام نسبت داده شده است. وسعت این تبلیغات به حدی است که اگر از بسیاری از مردم این کشورها پرسیده شود که اولین چیزی که در ارتباط با واژه "اسلام" به ذهن شما متبادر می‌شود چیست؟ پاسخ خواهند داد: "تروریست" برخلاف سایر ادیان، اسلام مرتباً در گزارش‌های خبری و مقالات با خشونت پیوند زده می‌شوند.

وقتی پیروان سایر ادیان دست به اعمال جنایت کارانه می‌زنند، هویت مذهبی آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در گزارشات خبری هرگز گفته نمی‌شود که قتل عام آلبانی تبارهای کوزوو به دست صرب‌های ارتدوکس شرقی صورت می‌گیرد و یا قتل عام‌های برمه‌ای‌ها، تقصیر بودایی‌هاست و یا نسل‌کشی در فلسطین کار یهودیان است اما زمانی که خطایی از جانب مسلمانی صورت گیرد، تأکید بر مذهب فرد خاطی است. مسیحیان بی رحم مایه بی اعتباری مسیحیت تلقی نمی‌شوند، اما اگر مسلمانی مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شود، به عنوان مصداقی از تهدید اسلام، اعلام می‌شود. این چنین برخورد دوگانه موجب تقویت تفکری خصمانه درباره اسلام است که چهره آن را زشت و مهیب جلوه داده است (آشوری، ۱۳۹۷: ۳۸). با توجه به موارد مطرح شده، مساله اصلی و اساسی این است که با توجه به اهمیت ترور و تروریسم در دنیای امروز، دیدگاه امام خمینی در خصوص این پدیده چیست؟ در مقاله‌ی حاضر سعی می‌شود تا بر تکیه بر آیات و روایات، اندیشه‌ی امام خمینی در خصوص ترور تبیین و تشریح شود.

تعریف لغوی و اصطلاحی ترور

در تعریف لغوی ترور می‌توان آن را به معنی ترس و وحشت معنی کرد (علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴). در اصطلاح نیز ترور به وضعیت وحشتی تلقی می‌شود که ناشی از اقدام به خشونت از سوی فرد، گروه، احزاب و یا دولتها در جهت دستیابی به منافع سیاسی و یا حفظ قدرت می‌باشد.

ترور از منظر آیات قرآن و روایات

آنچه در قرآن کریم و سنت شریف نبوی آمده، واژه‌ی «ترهیب» به معنای ایجاد خوف و ترساندن است. اگر به متون اسلامی مراجعه کنیم، خواهیم یافت که ترساندن از ماهیتی دوگانه - مثبت و منفی - برخوردار بوده، از یک سو اخافه و ترساندن مؤمن و مؤمنان و ایجاد خوف و هراس در جامعه‌ی اسلامی از گناهان بزرگ و مقابله با عاملان آن واجب و ضروری است. و از سوی دیگر معیار تنظیم سیستم دفاع نظامی در اسلام بر مبنای ترساندن دشمنان خدا و خلق نهاده شده است. کلمه‌ی ترهون در آیه ۶۰ سوره انفال به کار رفته است که معنای آیه این است که: «و در برابر آنها آنچه توانستید از

نیرو و اسبان بسته (عده و از جمله وسایط نقلیه مناسب فراهم کنید و از نیروها بهره‌گیری تا بدینوسیله دشمنان خدا و دشمنان خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی‌شناسید و خداوند آنها را می‌شناسد را بترسانید (که علیه خدا و شما دست به تهدید و تهاجم نزنند). لذا ملاحظه می‌شود که خداوند به این وسیله جامعه‌ی اسلامی را موظف می‌کند تا آنجا که ممکن است از «دشمنان» آسایش روانی را سلب کنند و به آمادگی نظامی و دفاعی بیاورند و در تحصیل آن بکوشند. در واقع هدف از این رعب و وحشت جلو‌گیری و پیش‌گیری از وقوع جرم و تجاوز دشمن است که خصلت بازدارندگی دارد. البته در آیات دیگری نیز مشتقات ارهاب آمده است که غالباً دلالت بر خوف دارد. نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که مشتقات ارهاب در آیات قرآنی به معنایی که امروزه وجود دارد به کار گرفته نشده است. از جمله آیاتی که در این زمینه وجود دارد می‌توان به آیه ۴۰ سوره بقره، آیه ۵۱ سوره نحل و آیه ۱۱۶ سوره اعراف اشاره داشت.

با توجه به آیه‌های مذکور، کلمه ارهاب به معنی تروریسم که در ادبیات سیاسی امروز مصطلح است به کار گرفته نشده است و دارای معنی متفاوتی از آن می‌باشد. بر این اساس نمی‌توان تروریسم را در مورد این واژه با توجه به نص قرآنی صادق دانست. واژه‌های دیگری که معادل ترور و تروریسم به کار می‌روند، واژه‌های فتک، غیله و محاربه اند که هر سه از نظر اسلام مردود شمرده شده‌اند. در روایات مختلفی نیز ترور مورد توجه قرار گرفته است. در این باره از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «ان الایمان قید الفتک و لا یفتک المومن» یعنی ایمان مانع ترور است و مومن به طور ناگهانی کسی را نمی‌کشد (طبری، ۱۳۶۹: ۲۷۱).

در روایتی دیگر از پیامبر گرامی (ص) از جمله علائم آخر الزمان، افزایش فتک دانسته شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی در معراج بودم، مواردی را دیدم. گفتم اینها چیست؟ گفتند اینها علائم آخر الزمان است. پرسیدم کی این اتفاق می‌افتد؟ در جواب گفته شد آخر الزمان وقتی است که در جامعه علم حاکم نباشد... و جاهلان امکان عمل یابند و فتک افزایش یابد (مجلسی، ۱۴۱۱: ۷۰).

غیله: واژه‌ی دیگری را که می‌توان در ذیل واژه‌ی فتک مطرح کرد و به نوعی آن را مترادف واژه‌ی فتک دانست واژه‌ی غیله است. در لغت نامه المنجد، غیله به معنی غافلگیر کردن و حقه آمده است. بنابراین غیله و اغتیل نیز به معنای ترور و ترور کردن است. که این نیز از نظر اسلام مردود می‌باشد. در دعایی متعلق به حضرت فاطمه زهرا(س) آمده است: «خدایا به تو پناه می‌برم از غیله اغتیل گران». محاربه: واژه‌ی دیگری که در متون اسلامی آمده و مفهوم ترور و تروریسم بر آن قابل اطلاق است، واژه‌ی محاربه است. در بحث لغوی و شرح لفظ، واژه‌ی محاربه به کسی اطلاق می‌شود که با اسلحه مردم (الناس) را بترساند و قصد ایجاد فساد داشته باشد.

اگر تعریف محاربه را ملاحظه کنیم نزدیکی این مفهوم نیز با تروریسم به خوبی آشکار می‌شود. مرحوم محقق حلی در شرایع، محاربه را این‌گونه تعریف می‌کند:

محاربه آن کسی است که سلاح را برهنه سازد به جهت ترسانیدن مردم چه در بیابان و چه در دریا، در شب یا روز در شهر یا غیر آن» (محقق حلی، ۱۳۶۲: ۱۸۸۸).

بنابر آنچه گفته شد به طور جدی می توان در تاریخ اسلام و جامعه ی اسلامی جای پای تروریسم را دید که چگونه ضربه هایی به پیکرهای جامعه اسلامی وارد ساخته و حکومت دینی را به مقابله نیز کشانده است. حکومت اسلامی از دیرباز در تاریخ، خاطره ی تلخی از ترور و تروریسم داشته است و روی همین اساس مکانیزم خاصی را نیز برای رفع و مقابله با این خطر اجتماعی سیاسی اختیار کرده که از خلال احکام جزایی و مجازات های اسلامی می توان به آنها دست یافت.

در حالی که ایجاد رعب و وحشت به منظور افساد در زمین و اعمال هواهای فردی و گروهی و اعمال تعصبات و نظایر آن در فقه شیعه بر اساس قول خداوند تحت عنوان «محرابه» و «افساد فی الأرض» محکوم و قابل پیگیری است. قرآن کریم از قتل مفسد فی الارض در کنار قصاص نفس به عنوان مجازات یاد کرده است و مجازات سخت و دردناکی را برای آنها پیش بینی نموده است. تروریسم چنان که در مفهوم آن بیان شد قطعاً از مظاهر افساد در روی زمین است و آن را باید مشمول مجازاتهای اسلامی دانست. از دیدگاه قرآن افساد کنندگان روی زمین همان کسانی اند که بر خلاف میثاق الهی و عهد و پیمانی که با نظم «حقانی» و مورد پذیرش، بسته اند نقض پیمان کرده راه خود را بر خلاف نظم اجتماعی بر می گزینند و به برهم زدن آن همت می گمارند و در این راه از توسل به هیچ ابزاری دریغ ندارند.

در تعاریف نیز کلمه مردم (الناس) به معنای مطلق آن آمده، یعنی اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان لذا اگر کسی یک کافر و غیر مسلمان را نیز بترساند، محارب محسوب می شود. البته برخی از فقها آن را در دارالاسلام معتبر دانسته اند (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ۳۶۱).

توجه به تعریف محارب یا به تعبیری مفسد فی الأرض، با عطف به شرط آن، روشن می سازد که لفظ ترور بر کلمه محارب قابل اطلاق است. و بر اساس آن تروریستی محارب و مفسد فی الأرض محسوب می شود، و با توجه به اهمیت و اعتبار امنیت و آرامش در جامعه ی اسلامی، قرآن کریم برای محاربین مجازات سختی را مشخص کرده است. قرآن کریم چهار نوع کیفر برای محارب با تروریست بر شمرده است. اعدام، به صلیب کشیدن، بریدن دست یا نفی بلد و تبعید که حاکم شرع در جاری کردن یکی از این حدود بر محارب مختار است.

شأن نزول این آیه را مقابله با تروریست هایی دانسته اند که از مسلمانان دست و پا بریدند و چشمان آنها را در آوردند و دست به کشتار آنها زدند، شتران حامل زکات را | غارت کردند و سپس از اسلام خارج شدند. پیامبر در مقابله با این گروه افسانگر که بر حکومت خروج کرده و امنیت را از جامعه ی اسلامی سلب کردند و ایجاد رعب و وحشت نمودند، دستور دادند آنان را دستگیر و نسبت به آنان مقابله به مثل نمودند.

آیه ۲۱۷ سوره بقره که فتنه را بزرگ تر از قتل دانسته نیز در مورد محاربه است و عنوان فتنه نیز بر محاربه قابل اطلاق است. بنابراین واژه ی محاربه نیز مانند معادلهای آن نوعی ترور محسوب می شود و مجازات محارب که موجد رعب و وحشت در جامعه می شود و به نحوی امنیت جامعه را به خطر می اندازد، بسیار سخت و مورد اجماع فقها است (فوزی، ۱۳۸۶: ۲۹۵-۲۹۴).

آیت الله عمید زنجانی می گوید: در فقه سیاسی «سلاح کشیدن» که معمولاً یکی از اعمال تهدید آمیز شمرده می شود، به عنوان یک جرم که مرتکب آن مستحق اعدام است، تلقی شده و با آن قاطعانه برخورد شده است. در آیه ۳۳ سوره مائده که مجازات شدید اعدام و تبعید برای محارب مشخص شده. موضوع و هدف ارباب و تهدید به صراحت ذکر شده، و به جز کیفر دنیائی وعده‌ی مجازات دردناکتر اخروی نیز داده شده است. قرآن در مجازات عاملان ترس و وحشت در جوامع بشری تا آنجا پیش می رود که آنان را شایسته بهره‌وری از امنیت که خود دشمن آن هستند نمی داند، و مقابله به مثل با آنان را تجویز و آنها را دشمن بشریت و محروم از امنیت معرفی می کند. حتی فقها خون کسی را که جان دیگری را تهدید کرده، مباح دانسته اند و تعرض به امنیت خانه‌ی همسایه را حتی اگر با نگاه کردن باشد، مجوز دفاع تا سر حد آسیب رساندن و ارتکاب قتل شمرده اند. در اسلام مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب یک وظیفه همگانی (واجب کفائی) است که باید همه یکدست در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۴۲۸).

به طور کلی ترور و ارهاب در اندیشه‌ی سیاسی اسلام به پنج دلیل مطرود و عملی به شدت ضد اخلاقی به شمار می رود.

اول، به سبب عهد و پیمان مکتوب یا نامکتوبی که فرد بر اساس آن، زندگی در اجتماع را پذیرفته و آن جامعه برای او حق زندگی قائل شده است.

دوم، ترور نوعی حمله و نیرنگ است و دین مقدس اسلام از اساس حمله و نیرنگ را رد می کند و آن را به خصوص در عرصه‌های سیاسی اجتماعی امری مذموم و ناپسند می شمارد.

سوم، ترور ذات عملی خشونت آمیز است و در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، خشونت از اساس طرد و رد شده است.

چهارم، ضرورت وجود یک نظم سیاسی و اجتماعی است.

پنجم، مخالفت شدید اسلام با اصل پدیده‌ی ترور است. ترور از آنجا که یک پدیده ضد اخلاقی و ضد انسانی است هیچ گاه در مقابله با دشمنان مورد تأیید یا مورد استفاده‌ی اولیه‌ی دین قرار نگرفت.

ترور از دیدگاه امام خمینی

امام خمینی در اندیشه‌های راهبردی خود هیچگاه به ذکر تعریفی از ترور و تروریسم نپرداخته اند. با این حال، مجموعه راهبردهای ایشان در خصوص این پدیده نمایانگر این مساله است که دیدگاههای ایشان با تعاریفی که امروزه از ترور و تروریسم می شود مطابقت کامل دارد. در دنیای امروز، ترور و تروریسم به عنوان پدیده‌ی خشن تلقی می شود که از سوی افراد، گروهها و یا دولتها در جهت رسیدن به منافع ملی انجام می گیرد. امام خمینی در رویکردهای خود در قبال این پدیده نیز آن را پدیده‌ی غیراسلامی و خشن معرفی می نماید. با بررسی دیدگاههای امام، می توان مشاهده کرد که معظم له، به مساله ترور و زوایای مختلف آن مسلط هستند و این مهم در سخنان مختلف ایشان

مشاهده می‌شود. معظم له در دیدگاههای راهبردی خود در خصوص ترور، عناصر تروریسم را به خمینی مشخص کرده و آن را به عنوان پدیده‌ای زشت و مذموم که مورد قبول آیات و روایات قرآنی نیست مورد توجه قرار داده است. امام خمینی در راهبردها و اندیشه‌های سیاسی خود، عناصر تروریسم را مولفه‌هایی از قبیل خونریزی و خشونت می‌بیند. ایشان دلیل اصلی شکل‌گیری این پدیده را وابستگی‌های دنیوی و سرسپردگی به شیطان می‌بیند. ایشان در سخنرانی که در تاریخ یازدهم آبان سال ۱۳۵۸ داشتند در این خصوص می‌فرمایند: بفهمانید به اینهایی که این طور کارهای ناجوانمردانه می‌کنند... بلکه این نحو کشتن که به طور ناگهانی و دزدکی می‌کشند، این دلیل بر شکست آنهاست (خمینی، ۱۳۸۰: ۴۴۱).

بنابراین با توجه به دیدگاههای امام خمینی در خصوص ترور که با تکیه بر آیات و روایات شکل گرفته است می‌توان متوجه شد که عناصر اصلی ترور که شامل خونریزی و خشونت است در دیدگاههای راهبردی ایشان نیز نمود یافته است. از دیگر عناصر ترور که امام خمینی به آن اشاره دارد، تلاش گروهها و افراد تروریست برای شکل‌گیری ارباب و ترس در جامعه است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: نترسند از اینکه این اقشار ضعیف به جنبش درآمدند و به خیال خود برای ارباب ملت ترور می‌کنند. ملت ما هرگز از این معانی نمی‌ترسد و نهضت ما هرگز ترور نمی‌شود. ترور اشخاص، ترور نهضت نیست... هرگز ما نمی‌ترسیم از این ترورها، هرگز به عقب برنمی‌گردیم؛ و هرگز اجازه نمی‌دهیم شرق و غرب دخالت کند در مملکت ما... (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۴).

با تحلیل رویکردهای امام خمینی (ره) در خصوص ترور، این نکته مشاهده می‌شود که دیدگاهها و اندیشه ایشان در خصوص ترور با دیدگاههای اندیشمندان و نظریه پردازان این حوزه در هماهنگی است. از سوی دیگر، ایشان تروریست‌ها را افرادی می‌دانند که از درک مسیر صحیح عاجز گشته‌اند. بنابراین به مکتب انحرافی است ترور متوسل شده‌اند.

امروزه، دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز تایید کننده نظریات امام خمینی است. ایشان در این باره می‌فرمایند: فشارهایی که در طول این سی و سه سال بر ایران اسلامی، بر جمهوری اسلامی وارد شد، شاید بشود گفت علت اصلی همین بود که نگذارند یک الگو در مقابل چشم مردم مسلمان منطقه به وجود بیاید؛ چون بدون الگو، حرکتها دشوار است؛ با وجود الگو، حرکتها آسان است. وقتی یک ملتی الگو شد، یک حرکتی الگو شد، تشویق می‌کند، استعدادها را به حرکت درمی‌آورد. می‌خواستند این نشود. تحریم می‌کنند، برای اینکه به خیال خودشان کشور را از لحاظ اقتصادی ضعیف کنند، تا دیگران نگاه کنند، بگویند اسلام ملت را از لحاظ اقتصادی به عقب می‌راند. دانشمند را ترور می‌کنند تا حرکت علمی را متوقف کنند، تا ملت ایران نتواند حرکت عظیم و پیشرفته علمی خودش را که به برکت اسلام و انقلاب است، روی دست بگیرد و به دنیا نشان بدهد، به امت اسلامی نشان بدهد. تهمت می‌زنند به اختناق، به ضدیت با حقوق بشر و از این قبیل چیزها متهم می‌کنند، برای اینکه افکار عمومی دنیا را برگردانند؛ لیکن با وجود همه این تلاشها، این تبلیغات، این خبائتها، انقلاب درخشید و دارد می‌درخشد (گزیده بیانات رهبر انقلاب پیرامون ترور دانشمندان ایرانی).

با توجه به بیانات امام خمینی، می توان علت اصلی شکل گیری ترور و تروریسم در اهداف سیاسی گروهها، احزاب و دولتها جستجو کرد. اندیشه ها و راهبردهای امام خمینی می تواند تبیین کننده ی تفاوت میان قتل با یک عمل تروریستی باشد. امام خمینی (ره) هر چند در اندیشه های خود تعریف مشخصی از ترور و تروریسم ارائه نکرده اند ولی با این حال، رهنمودهای ایشان در خصوص این عمل غیرانسانی نمایانگر این مهم است که دیدگاه ایشان با دیدگاههای نظریه پردازان این حوزه تعارض و تفاوتی ندارد.

رویکرد امام خمینی نسبت به ترور

در اندیشه ها و رویکردهای امام خمینی، ترور و پدیده تروریسم به عنوان پدیده ای غیرانسانی و غیراسلامی مطرح است. ایشان این پدیده را مذموم و ناجوانمردانه شمرده و آن را تلاشی در جهت ضربه زدن به اصول انسانی می داند (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۶۱). ایشان در این رابطه می فرمایند: اینها و کارهای غیر عقلایی که می کنند، می بینید که به نفع ما تمام می شود... ترور می کنند به خیال اینکه ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، می بینید که شجاعتشان افزون می شود (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۶).

از آنجایی که از نظر امام، ترور عملی غیرانسانی، غیرعقلانی و احمقانه است، پس ناشی از نداشتن منطق نیز هست و دلیل اینکه بعضی ها به اقدامات تروریستی دست می زنند، این است که آنان منطق ندارند: دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می کشید، برای اینکه منطق ندارید. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

با بررسی بیانات امام به این نتیجه می رسیم که از دیدگاه ایشان، ترور عملی غیرانسانی است و انسان کرامت و ارزش خاصی دارد و از این رو تنها افرادی که به حضيض ذلت افتاده اند به اقدامات غیرانسانی دست می زنند. از طرف دیگر ایشان، ترور را غیرعقلانی و احمقانه می دانند، پس ترور نشان دهنده این است که فرد از ندای فطرت و عقل خود دور شده و رو به سوی فساد و مکاتب انحرافی آورده و اراده خود را از دست داده و به وادی جهالت افتاده است. از این رو، نداشتن منطق، احساس ضعف، زبونی و شکست خوردگی است که موجب می گردد فرد به اعمال و اقدامات تروریستی دست بزند. امام، ترور را مساوی با فساد و مفسده، چپاول و غارت می داند و معتقدند افرادی که از ادراک مسیر صحیح و پیمودن راه کمال انسانی عاجز شده و به ورطه انحراف و گمراهی افتاده و البته خود اسباب محرومیت خود از هدایت الهی را فراهم کرده اند، برای رسیدن به اهداف غیر انسانی خود به ترور متوسل می شوند. با این اوصاف، پر واضح است که ایشان که به ارزش والای انسانی اعتقاد دارند و عقل انسانی را همدریف وحی الهی می دانند و تمام تلاششان، هدایت انسان به سوی کمال برین بوده است، به هیچ وجه نمی توانند با پدیده ی ترور موافق باشند. با تعریفی که امام از ترور دارند و با اوصافی که در مورد دیدگاه ایشان به ترور برشمردیم، مسلم و واضح است که ایشان با قاطعیت تمام، ترور را محکوم می کنند و توسل به شیوه های تروریستی برای رسیدن به اهداف سیاسی را نه تنها نادرست می دانند، بلکه به شدت با آن مخالف بوده و بنا به دلایل شرعی، اخلاقی و انسانی، ترور، تروریسم و هرگونه اقدام تروریستی را محکوم می نمایند.

جایگاه و رویکرد نیروهای مسلح در قبال سرداران مقاومت

نحوه ی استفاده از نیروهای مسلح هر کشور در شرایط بحران و عادی و همچنین انتخاب و چگونگی اجرای مأموریت‌های ارجاعی به نیروهای مسلح هر کشور به صورت راهبرد نیرویی را میتوان از راهبرد نظامی استخراج نمود. راهبرد دفاعی پلی است بین سیاست دفاعی و راهبرد نظامی؛ بنابراین، هر چه سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و نظامی منطبق باشد، تعیین مأموریت و به کارگیری نیروهای مسلح آن کشور به خوبی انجام میشود. همچنین انتخاب سیستم‌های جنگافزار نیروهای مسلح از دیگر عوامل تأثیرگذار در راهبرد نظامی قابلیت محور شناخته شده است. ابتدا باید تاکتیک را تعریف نمود و سپس متناسب با آن جنگافزار انتخاب نمود، ماهیت جنگها به طور مداوم در حال تغییر میباشد و هر جنگی با تاکتیک خاص خود اجرا میشود؛ بنابراین، از طریق راهبرد نظامی ابتدا باید تاکتیکهای نیرویی را مشخص نموده و سپس متناسب با آن سیستم جنگافزار نیروهای مسلح را انتخاب نمود (کلانتری، ۱۳۹۴: ۵۰).

در این راستا، مزیت خاص جمهوری اسلامی ایران جهت تأمین امنیت با استفاده از سرداران مقاومت، بهره مندی از حمایت و همکاری همه جانبه مردمی در مقابله با هر گونه اقدام جهت نقض تمامیت ارضی کشور توسط بیگانگان است؛ مزیتی که در دنیای امروز منحصر به فرد مینماید. پیگیری چنین سیاستی در حوزه امنیت ملی، موجب ایجاد یک نیروی خارق العاده دفاع پوششی متکی به بافت اجتماعی میشود که از نظر نوع کارایی، هم جنبه بازدارندگی بالایی دارد و هم در صورت بروز هر گونه تجاوز احتمالی، به صورت یک قدرت بالفعل قابل اتکا، از توان بالایی جهت مقابله با دشمن برخوردار است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، توجه ویژه‌ای به نقش سرداران مقاومت داشته است و میتوان این گونه بیان داشت که سرداران مقاومت، محور اصلی نیروهای مسلح هستند. امام خمینی با استفاده از آیات قرآنی و روایات در این باره بیان میدارند: ملت مام عموماً، چه قوای مسلحه و چه کسانی که دست اندر کار هستند در یکی از پستها و چه سایر قشرهای بیلونی ملت باید این جهت را همیشه توجه داشته باشند که شما در مقابل همه قدرتها ایستادید باید همه ما و شما و همه ملت و همه قوای مسلح ما و تمام اقشار ملت در سراسر کشور باید با هشیاری و توجه مهیا باشند از برای حفظ جمهوری اسلامی که این همه دشمن دارد. تا ارتش و سپاه هست این جمهوری هست. الان جمهوری اسلامی یعنی اسلام و این امانتی است بزرگ که باید از آن حفاظت کنید (امام خمینی، سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه، معلمان و ، ۱۳۶۰/۵/۲۷).

ایشان همچنین بیان میدارد: قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر ویژگی خاصی دارند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت میباشند و بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند. پاسداری از اسلام یکپاش همین است که الان در سطح کشور بحمدالله جمعیت کثیری مشغول هستند و نظم مملکت الان در دست آنهاست و اگر آنها نبودند، این انتظامات نبود (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۳۱).

همان گونه که در این مقاله اشاره شد ترور اقدامی غیرانسانی و خشن است که از جانب افراد، گروهها و دولتها در جهت دستیابی به قدرت و یا حفظ منافع سیاسی صورت می پذیرد. در اقدامات تروستی، گروهها، افراد و یا دولتها سعی دارند تا با اقدامات مختلف از قبیل کشتن افراد، تخریب مکان های مختلف و.. به اهداف خود دست یابند. در قرآن کریم در آیات بسیاری از جمله آیه ۴۰ سوره بقره، آیه ۵۱ سوره نحل و آیه ۱۱۶ سوره اعراف به تبیین این اقدامات پرداخته شده است. در روایات اسلامی نیز این پدیده را غیراسلامی و غیرانسانی معرفی می کند و برای مرتکبین آن مجازات هایی برشمرده است.

دیدگاههای امام خمینی در خصوص ترور و پدیده تروریسم انطباق کاملی با آیات قرآنی و روایات دارد. در اندیشه سیاسی و اسلامی امام خمینی(ره)، هر چند تعریفی از ترور و پدیده تروریسم صورت نگرفته است ولی با این حال، عناصر و مولفه های این پدیده که مورد توجه ایشان بوده نشان می دهد که این مولفه ها و عناصر در هماهنگی کامل با دیدگاه نظریه پردازان حوزه ترور و تروریسم است. به طور کلی، با توجه به آیات و روایات، دیدگاههای امام خمینی در خصوص ترور با نگاهی منفی مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه معظم له، ترور ناشی از بی عقلی و بی منطقی افراد، گروهها و دولتهایی است که این اقدام را انجام می دهند.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۹۷). دانش نامه سیاسی، تهران انتشارات مروارید
- افتخاری‌راد، امیرهوشنگ؛ نادر فتوره‌چی نادر فتوره‌چی (۱۳۹۵). ترور و تفکر، نشرات چشمه
- ترابی، حمیدرضا (۱۳۹۵). بررسی مبانی فقهی و حقوقی ترور از دیدگاه مذاهب امامیه و حنابله، غیر دولتی - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - ۱۳۹۵ - [کارشناسی ارشد]
- ترجمه محمد دشتی، نهج البلاغه، چ ۱، قم، انتشارات دانش، ۱۳۸۰
- جانانان مارکوس ۳ ژانویه ۲۰۲۰ - ۱۳ دی ۱۳۹۸. «قاسم سلیمانی، چرا فرمانده سپاه قدس را کشتند و چه اتفاقی خواهد افتاد؟». بی‌بی‌سی فارسی
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - مبسوط در ترمینولوژی حقوق ج ۲ چاپ اول تهران انتشارات گنج دانش ۱۳۷۸، ص ۶۷.
- حسینی، محمد (۱۳۹۸). بررسی دیدگاه آیات و روایات پیرامون ترور باتکیه بر پاسخگویی به شبهات، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن مجید، دانشکده تفسیر معارف قرآن قم
- دهخدا، علی اکبر - لغت نامه - ج ۵، تهران دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۴۳، ص ۱۹۳۳
- طباطبایی، محمد مهدی (۱۳۹۳). ترور فرهنگی و ترور فیزیکی، نشریه نسیم بیداری بهمن ۱۳۹۳ شماره ۵۵
- طبری، ابن جریر، تاریخ الامم و الملوک ج ۴ بیروت انتشارات مؤسسه الاعلی ۱۴۰۵ ص ۳۶۷
- قیم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، چ ۴، تهران انتشارات فرهنگ معاصر ۱۳۸۴، ص ۷۷۵
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۴۷، بیروت، نشر مؤسسه وفا، ۱۴۰۳، ص ۱۳۷
- مرعشی، حسن، مبانی فقهی محکومیت تروریسم، مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع چ اول تهران دانشکده علوم قضائی ۱۳۹۰، ص ۵۳
- VICK, KARL (3 January 2020). "Why the U.S. Assassination of Iranian Quds Force Leader Qasem Soleimani Has the U.S. Bracing for Retaliation". time.com. Time (magazine). Retrieved 7 January 2020